

# مروری بر ساخت و تزیینات روی قلمدان در دوره صفوی

محرر معلی بهرامی

دبیر هنر شهرستان خرم دره

## چکیده:

قلمدان بهترین وسیله فرآگیری نوشتن و مهم‌ترین عامل تشویق مردم به آموختن خطاطی و خوشنویسی بود. در سه قرن اخیر، هنرمندان سعی کرده‌اند قلمدان‌ها را زیباتر و نفیس‌تر بسازند و به صاحبان ذوق و هنر و طالبان علم و ادب عرضه دارند. قبل از قلمدان‌های لاک‌پوش که در اواسط دوره صفوی اشاعه یافت، قلمدان‌ها اغلب فولادی و نقره‌کوب و طلاکوب بودند و روی بعضی از آن‌ها تصاویر گوناگون و اشکال هندسی و اسلیمی و چه‌بسا نام مالک و سازنده و در مواردی ادعیه و نام سلاطین و جملاتی در عظمت کتابت و قلم به شیوه کوفی نقش می‌بست که آیتی از هنر به شمار می‌آمد. اگر این سفارش‌ها از طرف پادشاه وقت یا ثروتمندی داده می‌شد، با طلا و نقره و انواع جواهرات تزیین می‌گشت. امروزه اغلب این آثار را در موزه‌ها می‌توان دید.

## قلمدان در دوره صفوی

(یزد) بود.

قلمدان‌هایی که امروزه در موزه‌های ایرانی و خارجی یا در مجموعه‌های خصوصی یافت می‌شود، متعلق به قرون اولیه اسلامی است. هنر قلمدان‌سازی در دوره صفوی و با تهیه قلمدان‌هایی به شیوه پایمه‌ماشه به اوج شکوفایی خود رسید. در واقع، قلمدان تا نیم‌قرن پیش از وسایل ضروری خطاطان، نویسندگان و منشیان بود؛ چنان‌که در منازل رجال و اشراف همیشه چندین قلمدان نفیس وجود داشت که هنر دست هنرمندان طراز اول این فن بود. ارزش قلمدان نیز به شکل ظاهری، نقوش و استحکام آن بستگی داشت. این هنر در دوره صفویه تا اواخر دوره قاجار، در شهرهایی چون اصفهان، یزد، آذربایجان، کاشان، تهران و قزوین رواج داشت و به رشته‌های گوناگونی تقسیم شده بود و هر گروه نیز در رشته‌ای خاص تخصص داشتند. برای مثال، گروهی از چوب شمشاد و یا گلایی قالب می‌ساختند، گروهی دیگر تکه‌های ریز مقوا و کاغذ را روی قالب می‌چسباندند، قلمدان را می‌ساختند و پس از خشک شدن، آن‌ها را در اختیار نقاشان و مذهبیان قرار می‌دادند. چسب مصرف‌شده نیز از لعاب سریش

گفتنی است با توجه به اینکه پیش از دوره زندیه قلمدان‌ها از فلز ساخته می‌شدند و برای تزیین آن‌ها نیز از مفتول‌های نقره‌ای یا طلایی استفاده می‌شد، و از طرفی به دلیل کاربرد فراوان این وسیله، وزن این قلمدان‌ها، مشکل عمده‌ای بود که هنرمندان را به فکر بهره‌گیری از قلمدان‌های سبک‌تر انداخت. به این ترتیب، ساخت قلمدان یکی از کارهای جنبی پایمه‌ماشه‌سازان شد. با استقبال فراوان مردم از قلمدان‌های جدید، کارگاه‌های متعدد قلمدان‌سازی در ایران دایر گردید. از ویژگی‌های قلمدان دوره صفوی، استواری و مرغوبیت مقوا، تفاوت سبک، زرنشان بودن، داشتن گل بته و تصویر کم آن‌ها در مقایسه با دوره‌های بعد است. از حیث اندازه و شکل نیز، قلمدان معمولی صفوی قدری بزرگ‌تر و مسطح‌تر از قلمدان متعارف عصر قاجار می‌باشد. در دیواره زبانه برخی از آن‌ها هم گاهی معرق‌کاری با چرم دیده می‌شود.

تک‌صورت‌سازی ایستاده از شاهان و شاهزادگان صفوی با جامه‌های معمول آن زمان و تصویر بانوان زیبا در حالت ایستاده و نشسته و لمیده (با جاذبه نگارگری)





و همچنین، نقش کاخ‌های آن عصر و دورنما و پل‌ها و خیابان‌های مشجر و تصویرهای نیم‌تنه اشخاص در دو طرف قلمدان از جمله ویژگی‌های دوران صفوی است که مورد تقلید نقاشان دوره‌های بعد نیز قرار گرفته ولی به پایه کارهای ممتاز این زمان نرسیده است.

### ساخت مقوای پایه‌ماشه در دوره صفوی

در حدود نیمه عصر صفوی، هنرمندان ایرانی برای انبساط خاطر هنردوستان، کوشیدند در تجلید کتاب، که تا آن زمان از مقوای چرم‌های مختلف ساخته می‌شد، و قلمدان، که از برنج و فولاد یا چوب بود، جنبه شاعرانه داخل کنند. از این رو، مجلدان و قلمدان‌سازان آن دوره، پس از آشنایی با ساختن مقوای خمیر کاغذهای باطله و فرسوده، به تهیه مقوای پرداخته‌اند. ساخت قلمدان‌های روغنی، که فرایند آن، در تهیه مقوای جلد، جعبه‌سازی، دستک‌سازی، قاب‌سازی و ... نیز استفاده می‌شده، بدین نحو بوده است که پس از آنکه چندین لایه کاغذ، با چسب سریش به هم چسبانیده می‌شد

یا خمیر مقوای روی قالب‌های چوبی آغشته به صابون خشک می‌شد، آن را از قالب قلمدان جدا می‌ساخته، به صورت مطلوب لبه‌هایش را می‌بریدند و سطح آن را مهره‌کشی می‌کرده‌اند تا کاملاً صاف و صیقلی و آماده کار شود. سپس، لایه بسیار نازکی از گچ خیلی نرم یا گل سفید را به صورت آستر روی آن مقوای می‌کشیده‌اند و بعد از صاف‌کاری آن، لایه بسیار رقیقی از لعاب روغن کمان روی آستر می‌مالیده‌اند، آنگاه نقاشان، روی گچ یا گل سفید را طرح‌اندازی نموده، به این ترتیب، صورتگران، بته‌سازان و مذهبان و طلاکاران، با آبرنگ، جلد و کشوی قلمدان را نقاشی و طلاکاری می‌کرده‌اند. پس از نقاشی، چند بار با پوشش بسیار رقیق و نازکی از روغن کمان، سطح نقش قلمدان و ترسیمات کشوی آن را می‌پوشانیده و چند بار هم قلمدان خیس را در محفظه‌ای شیشه‌ای، به دور از گردوغبار، در مقابل آفتاب قرار می‌داده‌اند تا خشک شود. چون روغن کمان خاصیت صمغی دارد، همچون پوسته‌ای سخت و پوششی بسیار محکم و شیشه‌مانند، روی قلمدان و جلد کتاب



اروپاییان در بازگشت به کشورشان بود. امروزه این آثار گران‌قدر زینت‌افزای موزه‌های بزرگ اروپا و آمریکا شده است.

آموزش و تعلیم هنر در این دوره اهمیتی فراوان یافت و هنر خوشنویسی نیز به اوج شکوفایی خود رسید. بدین منظور، برای تشویق افراد به این امر بسیار مهم قلمدان‌هایی به وجود آمد که روی آن‌ها را به صورت زیبا و دل‌فریبی آراسته بودند تا شوق و اشتیاق طالبان علم برای فراگیری علوم زیاد شود. گو اینکه -همان‌گونه که قبلاً ذکر شد- قبل از صفویه قلمدان‌هایی از جنس چوب و فلز ساخته می‌شد لکن دوره صفویه دوره شکوفایی قلمدان‌های لاک‌پوشی بوده که در زمان قاجاریه به اوج شکوفایی و بالندگی خود رسیده‌اند.

قلمدان‌هایی که ابتدا ساخته می‌شد احتمالاً بدون نقش بوده و صرفاً برای محافظت از ابزار نگارش به کار می‌رفته است اما هنرمندان ایرانی ذوق هنری خود را که در تمامی دوره‌ها به رخ جهانیان کشیده‌اند، روی قلمدان‌ها نیز به منصفه ظهور گذاشتند؛ به طوری که هر بیننده‌ای ممکن است ساعت‌ها به یک قلمدان نفیس خیره شده، غرق در شگفتی باشد، بدون اینکه گذر زمان را متوجه شود یا از این همه زیبایی انگشت حیرت به دندان گیرد و احساس خوشایندی به وی دست دهد.

با پیدایش قلمدان‌های روغنی در میانه دوره صفوی هنرمندان ایرانی که با سبک واقع‌گرایی اروپا نیز آشنا شده بودند، تجارب خود را روی قلمدان‌ها نیز آزمایش کردند و به نتایج بسیار خوبی دست یافتند. از میان این هنرمندان، **محمد زمان، علیقلی بیک جباردار، محمدقاسم،**

جوش می‌خورده و سراسر آن را در بر می‌گرفته است؛ به طوری که بعدها از آسیب‌های وارده تا حد زیادی مصون می‌مانده است. از همین شیوه، در ساخت جلد روغنی هم استفاده می‌کرده‌اند.

### نگارگری روی قلمدان در دوره صفوی

در دوره صفوی به هنرهای تجسمی به‌ویژه نگارگری و هنرمندان نگارگر توجه ویژه‌ای می‌شد. شاهان صفوی خود نیز به هنر نقاشی علاقه وافری داشتند و از این‌رو، در این دوره نگارگری رونق بسیاری یافت و یکی از صنایع جدید، صنعت نقاشی روی قلمدان‌ها و جعبه‌ها بود که از اواخر دوره شاه‌عباس اول در ایران معمول گردید.

روی قلمدان‌ها موضوعات مختلفی نقاشی می‌شد؛ موضوعاتی شامل تذهیب، گل و بوته، گل و مرغ، ابری‌سازی، شکار، بزم و رزم، جنگ و ستیز، خوشنویسی، داستان‌ها و روایات تاریخی، چهره و منظره‌سازی و دورنمای طبیعت و بعضی مواقع نیز ترکیبی از این موضوعات. به عبارتی، صورتگران ایرانی آثار هنری غربی را -که فرنگی‌سازی می‌نامیدند- مانند دورنما‌سازی، چهره‌سازی، صورت‌سازی جانوران، که پیش‌ازین زمان نیز معمول بوده، به‌وجهی شایسته از هنر غرب اقتباس نموده و با هنرهای خود آمیختند و روی قلمدان‌ها با سبکی استادانه منعکس ساختند. این‌گونه تصاویر روی قلمدان‌ها آن‌چنان شیرین و جالب‌توجه بود که هنردوستان اروپایی را شیفته و فریفته خود می‌ساخت. باید گفت در این زمان قلمدان‌های ایرانی بهترین ره‌آورد و ارمغان

شفیع عباسی و حاجی محمد بیش از دیگران توفیق داشتند که آثارشان گواه این مدعاست. در این میان، محمدزمان بیش از همه قلمدان‌نگاری کرده و به نتایج بسیار خوبی دست یافته است. منظره‌پردازی روی قلمدان‌ها موضوعات مختلفی دارد که می‌توان آن‌ها را به دسته‌های زیر تقسیم نمود.

## موضوعات نگارگری روی قلمدان در دوره صفوی

۱. منظره‌پردازی روی قلمدان
۲. چهره‌نگاری روی قلمدان
۳. صحنه‌های شکار
۴. داستان‌های تاریخی
۵. ساختمان و بناهای تاریخی
۶. صحنه‌های جنگ
۷. گل و مرغ گل و بوته
۸. فرنگی‌سازی.

## منظره‌پردازی روی قلمدان

شاید در میان قلمدان‌های دوره صفوی قلمدانی را پیدا نکنیم که روی تمامی قسمت‌های آن صرفاً منظره کار شده باشد. ممکن است بخشی از قلمدان مانند رویه، پهلوها، زیر قلمدان یا وجوه جانبی غلاف پوشیده از منظره باشد. در بسیاری از موارد، ترکیبی از منظره با یک عنصر ثانوی مانند انسان، ساختمان و یا حیوانات در حال شکار روی آن‌ها دیده می‌شود. شاید تنها نمونه‌ای که بتوان در این باره عنوان کرد، بخش مرکزی وجه جانبی قلمدانی است که در قرن (۱۲ هـ / ۱۸ م) ساخته شده و بدون رقم است. اما از نحوه آرایش درختان و درخت شکسته قسمت پایین قلمدان چنین دریافت می‌شود که از آثار پرفخامت محمدزمان یا فرزند هنرمندش محمدعلی بوده است.

## چهره‌پردازی روی قلمدان

منظره و انسان در نقاشی ایرانی ارتباطی تنگاتنگ دارند؛ به طوری که تفکیک آن‌ها از یکدیگر غیرممکن به نظر می‌رسد. در نقاشی ایرانی، همواره یک یا چند انسان در مناظر حضور داشته است. منظره تشکیل شده از یک تک پیکره و در مواردی چند پیکره در زیر یک درخت که در بعضی مواقع نیز در زیر پای آن‌ها جوی آبی روان است و معمولاً چند مرغابی در جوی آب به شنا و بازی کردن مشغول‌اند. در برخی موارد، دورنمایی از دشت و دمن و کوه نیز به منظره اضافه می‌شود.

## صحنه‌های شکار

یکی از موضوعات بسیار جالب برای انسان نقاشی از منظره شکار است؛ چون یکی از تفریحات شاهان، شاهزادگان و درباریان پرداختن به شکار حیوانات است و هنرمندان نیز برای خوشایند شاه و درباریان صحنه‌هایی از شکار آن‌ها را نقاشی نموده‌اند، در دوران صفویه، که قلمدان‌نگاری رونق پیدا کرد، همین صحنه‌های شکار به روی قلمدان‌ها نیز منتقل شد.

## داستان‌های تاریخی

همان‌طور که می‌دانید، نگارگری ایران همواره ارتباط تنگاتنگی با ادبیات داشته و ادبیات ایران نیز پر از داستان‌های تاریخی و آموزنده است. اکثر نگارگران ایران کتاب‌های تاریخی و ادبی را به تصویر درآورده یا به عبارتی تصویرسازی کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان گلستان سعدی، خمسه نظامی، شاهنامه فردوسی و غیره را نام برد. این نگرش در نگارگری به نقاشی روی قلمدان نیز رسوخ پیدا کرد و همان داستان‌های تاریخی روی قلمدان‌ها نیز نقاشی شد.

## گل و مرغ و گل و بوته

گل و مرغ و گل و بوته تجسم بسیار ساده‌ای از منظره است؛ چون منظره متشکل از گل و بوته، پرندگان، کوه و دشت و دمن است، می‌توان گل و مرغ و گل و بوته را نیز منظره‌ای در نظر گرفت که بسیار خلاصه و چکیده شده و روی قلمدان‌ها نقش بسته است. آن‌ها در بسیاری از موارد، در وجوه جانبی و وجه زیرین قلمدان‌ها نقاشی شده‌اند و در برخی موارد نیز تمام قسمت‌های قلمدان را پوشانده‌اند. معمولی‌ترین نمونه تصاویر قلمدانی که از همه تصاویر بیشتر به کار گرفته شده و بیش از ۷۰ درصد هنر قلمدان‌سازی را به خود اختصاص داده، گل و مرغ و بوته‌سازی و جست‌وخیز پرندگان است که به شیوه‌های گوناگونی در عرصه هنرهای روغنی ایرانی جلوه‌گر گشته و هواخواهان زیادی داشته است. اگر بنا بوده تمام رویه قلمدان گل و بوته‌سازی باشد، در وسط رویه قلمدان یک گل سرخ بزرگ و یا زنبق درشت ترسیم می‌شده و در طرفین آن به حالت قرینه یا پراکنده گل‌های متنوع و رنگارنگی به توازن چیده می‌شد. برای اینکه زمینه گل‌آرایی از گیاهان خودرو یا گل‌های کوچک‌تری پر شود، از پامچال و علف‌های هرزه بهره می‌گرفتند و جلوه طبیعی گلستان‌ها را روی قلمدان‌ها ظاهر می‌ساختند.

### منابع

۱. ادیب (برومند)، عبدالعلی. (۱۳۶۶). هنر قلمدان. چاپ اول. تهران: انتشارات وحید.
۲. احسانی، محمدتقی. (۱۳۸۲). جلدها و قلمدان‌های ایرانی و نگارگری هنرمندان در سه قرن اخیر. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. ابتهاج همدانی، هلیا و یآوری، حسین. (۱۳۹۰). سیری در قلمدان‌های لاک‌ی روغنی ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات سیمای دانش.
۴. پورفرزانه، محمدرضا. (۱۳۷۴). نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل آثار نقاشی تصویری روی قلمدان. دانشگاه تهران.
۵. تجویدی، زهرا، شاکری راد، محمدعلی. (۱۳۸۶). آشنایی با هنرهای سنتی ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۶. حسن بیگی، محمدرضا. (۱۳۶۵). مروری بر صنایع دستی ایران. تهران: انتشارات صنوبر.
۷. خلیلی، ناصر. (۱۳۸۶). کارهای لاک‌ی، ترجمه سودابه رفیعی سخایی. چاپ اول. تهران: نشر کارنگ.
۸. دولتشاهی، علی. (۱۳۶۷). نقش و نگارهای ایرانی. تهران: انتشارات سروش.
۹. ربی، جولیان. (۱۳۸۶). کارهای لاک‌ی، ترجمه سودابه رفیعی سخایی، جلد هشتم. تهران: نشر کارنگ.
۱۰. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۶۹). احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی، جلد دوم. لندن: مستوفی.
۱۱. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۷۹). قلمدان و سایر صنایع روغنی ایرانی. چاپ اول. لندن: ساتراپ.
۱۲. یآوری، حسین. (۱۳۸۹). شناخت صنایع دستی ایران، آشنایی با هنرهای سنتی. چاپ اول. تهران: انتشارات صبا.
۱۳. یآوری، حسین. (۱۳۸۹). آشنایی با موزه‌های ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات مهگلمه.